

گالمشیق دینکار و مراکز

خواهر ریخته و زائرانش را بهشتی معروفی کرده است: «هرکس اورازیارت کند، بهشت برای اوست». و یکی دیگر از نشانهای عشق این برادر و خواهر، زیارت‌نامه‌ای است که عاشقان آن حضرت از زبان امام ما، رضاع^ع می‌خوانند.

*
آسمان قم در دهم (یا: دوازدهم ربیع‌الثانی) سال ۲۰۱ هـ. ق رنگ ماتم گرفت، و بانوی آسمان‌ها چهره در خاک کشید. او را غسل و کفن نمودند و تا قبرستان «بایلان» تشییع کردند. هنگام دفن بهدلیل نبودن محمر، دجار مشکل شدند. قرار شد پیرمردی بدنهنام « قادر» این‌کار را انجام دهد. ناگهان دوسوار از سمت ریگزار و بیابان آمدند. پیاده شدند و برجانه، نماز خوانند. جسم پاکش را در سرداری، که قلاً آمده شده بود، نهادند؛ سپس بدون سخنی سوار شدند و رفتند و کسی هم آن‌ها را نشناخت.^۱

آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌فرمودند: «بعد نیست این دو بزرگوار، امام مخصوص باشند».

موسی بن خزر، سایبانی از حصیر و بوریا بر قریش افکند تا مسامی که زینب، بنت‌الامام‌الجواب^ع به قم آمد و قبیه‌ای ساخت.^۲ قبیه‌ای که هر روز خورشید بر آن بوسه می‌زدا

را در دست گرفت و به منزل خود برد. خانه موسی بن خزر، محل عبادت دختر موسی بن جعفر^ع شد؛ بانوی که عبادت را به اوچ خود رساند و در ایام اقامت در قم، سجاده و محراب را شرمنده خویش کرد.

امام ما، رضاع^ع نیز به پاس فدایکاری‌های خواهر خود، مقام عصمت را به اذان خدا ارزانی او ساخت. امام ما، رضاع^ع فرمود: «من زار المخصوص بقم کمن زارنی؛ هرکس مخصوصه را در قم زیارت کند، گویی مر زیارت کرده است».^۳

نه اهل قم، بلکه تمامی شیعیان جهان، چشم به سفره پربرکت بی‌بی مخصوصه^(س) دوختند. حضرت امام‌اع^ع مقام شفاقت را یکی از جلوات ریانی صادق^ع تجذیب کرد تا داستان عشق حسینی^(ع) و زینب^(ع) به وجود چنین خواهری می‌باشد. خواهری که مسیر طولانی مدینه تا شهر قم را برای تجدید پیمان و دیدار او پیمود و سختی‌های راه تدخل بشفاقت‌ها شیعیت‌الجنہ با جمیع^ع؛ تمام شیعیان را بازخوانی کند و با حضور خویش، مرهمی بر شفاقت او وارد بهشت می‌شوند».^۴

یکی دیگر از وزیرگی‌های بارز وجود حضرت مخصوصه در قم و به مخصوص حضور معنوی این بانوی بزرگ، علمی شدن این شهر به واسطه کرامات اوست. البته این نکته در روانی از امام صادق^ع بیان شده است: «بیزودی کوفه از مومنان خالی شده است و همان‌طور که مار در لانه‌اش جمع می‌شو، علم از این شهر، رخت می‌شند و سپس علم در شهری که به آن قم می‌گویند، ظاهر می‌شود و آن‌جا معدن داشت و فضیلت می‌شود».^۵

امام ما، رضاع^ع بارها و بارها بهشت را به پای زمام شتر حضرت

در خاندانی از علم و فضیلت پرورش یافته و به‌حتم از بزرگان علم می‌باشد. چه کسی بهتر از دختر امام، که سخنان پدر و اجدادش را خوب فرا گیرد و به تشنگان معارف الله برساند. از این‌رو، روایات فراوانی از پدرانش تقلیل کرده و به ما رسیده است.

امام ما، رضاع^ع قطعاً به وجود چنین خواهری می‌باشد. خواهری که مسیر طولانی مدینه تا شهر قم را برای تجدید پیمان و دیدار او پیمود و سختی‌های راه را بازخوانی کند و با حضور خویش، مرهمی بر زخم‌های برادر باشد.

مخصوصه، پا پای حسینیش به حکم عشق چون زینبی برای رضا جلوه می‌کند!

مخصوصه، هر چه در توان داشت در طبق اخلاص گذاشت و نثار برادر کرد. همراهانش را در ساوه به شهادت رسانندند. بانو فرمود: «مرا به قم ببرید؛ از پدرم شنیدم که می‌فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ماست».^۶

ایشان را به طرف قم راهنمایی کردند.

در قم، موسی بن خزر، رئیس و

بزرگ خاندان ائمی.

و قلب قم به عشق یکی از مسافران خورشید می‌تپید.

*

به انگیزه هم ربیع‌الثانی، سال‌روز وفات حضرت مخصوصه^(ع)

مهریان آمد و مهریان تر ماند. قدم پددیدگان مردمانی گذاشت که محبتشان در آینه روایات بر هیچ‌کس پوشیده نیست. امام ما، رضاع^ع ندای طوبی لهم را برایشان سرداده بود،^۷ حضرت صادق^ع سلام خویش و خدای خویش را فریاد پیش برایشان هدیه فرستاده بود.^۸

بیش از صد سال از ورود اولین ساکنان این سرزمین می‌گذشت. اعراب اشعری در سال ۸۳ هـ. ق. با هجرت از مدینه باین سرزمین، قم را بنا کردند.^۹ و بعد از گذشت سال‌ها، دیواره بانوی از شهر پیامبر امده بود تا احیاگری کند. آمد و ماند و آفتاب مهریانش تا ابد، دلهای عاشقان را روشنایی خواهد پخشند. در سال ۲۰۱ هـ. ق. رذای خورشید را بی‌گرفت و به این سرزمین رسید. یک سال از ان زمان که قافل‌سالار رافت و مهریانی به تبعید بردگان خشم و شهوت رفته بود، می‌گذشت. سفری که پایانش را پدرانش به او نوید داده بودند. او رفته بود و دلهای فراوانی به دنبال او،

و قلب قم به عشق یکی از مسافران خورشید

می‌تپید.

*

نسبت در استواری به ابراهیم خلیل، در عطوفت به عیسی و در علم به موسی می‌رسید. نبوت

و امامت در رگ‌هایش جریان داشت. فرزند امام موسی بن جعفر^ع بود و نجم حاتون.

خواهر امام رضاع^ع به «مخصوصه» و «کربمه» ملقب است.

عرض و فرش مستمند خوان کرم اویند.

همان بانوی از آسمان‌ها و مام آب‌ها و آسینه‌ها نامش فاطمه است، و چه فضیلتی برتر از این که هم دختر امام است و هم خواهر امام و هم عمه امام.

- بی‌نوشتها
- ۱. بحار‌الاتوار، ج ۶، ص ۲۱۵
- ۲. همان، ص ۲۱۷
- ۳. معجم‌البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷
- ۴. پهار، ج ۶، ص ۲۱۴
- ۵. ناسخ‌التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷
- ۶. سفیه‌البحار، ج ۲، ص ۳۷۶
- ۷. بحار‌الاتوار، ج ۶، ص ۱۳۱ و همان، ج ۱۰، ص ۲۶۵
- ۸. امام رضاع^ع: من زارها فله الجنه.
- ۹. تاریخ قمی، قم، ص ۲۱۳
- ۱۰. سفیه‌البحار، ج ۲، ص ۳۷۶

